

از تماشاگر تئاتر تا بازیگری ماندگار در سینما

7 دی 1404

بازخوانی کارنامه هنری زنده‌یاد شیرین یزدان‌بخش

شیرین یزدان‌بخش، بازیگر توانمند #سینمای_ایران، بامداد روز ۴ دی‌ماه ۱۴۰۴ در سن نزدیک به ۷۷ سالگی درگذشت؛ اتفاقی که واکنش گسترده جامعه هنری را برانگیخت و یادآور کارنامه متفاوت و قابل تأمل او در عرصه بازیگری بود.

یزدان‌بخش نه بازیگری کلاسیک بود، نه مسیرش به‌طور سنتی از آموزش آکادمیک می‌گذشت اما حضور احساسی و انسانی‌اش در قاب تصویر، او را به یکی از چهره‌های خاص سینمای اجتماعی ایران تبدیل کرد.

یزدان‌بخش در اصفهان به دنیا آمد و سال‌ها در نقاط مختلف کشور بزرگ شد. او بیش از سه دهه را به‌عنوان کارمند در اداره دخانیات گذراند و در این سال‌ها تماشاگر جدی تئاتر بود. خود او بارها گفته بود که تماشای تئاتر باعث شد تا بازیگری را درک کند و به آن نزدیک شود؛ تجربه‌ای که بعدها در اجراهایش به‌وضوح قابل لمس شد.

همانند پگ فیلیپس، بازیگر آمریکایی که اواخر دهه ششم عمرش وارد بازیگری شده بود، شیرین یزدان‌بخش هم پس از بازنشستگی به‌طور جدی وارد عرصه هنر شد و به‌واسطه پیشنهادهای متعدد و اصرار اطرافیان، به‌ویژه افشین هاشمی اولین حضور خود را در سینما تجربه کرد. یزدان‌بخش اغلب در نقش‌هایی ظاهر شد که ظاهراً کوچک‌اند، اما حضورشان روایت را عمیق‌تر و انسانی‌تر می‌کرد.

نخستین تجربه سینمایی یزدان‌بخش با فیلم «لطفاً مزاحم نشوید» ساخته محسن عبدالوهاب بود که بلافاصله توجه‌ها را جلب کرد و باعث شد او سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن را از جشنواره فیلم فجر دریافت کند. این موفقیت مهم، هرچند در آغاز مسیر او قرار داشت، نشان‌دهنده توانایی ذاتی و متأثر از تجربه‌های زیسته او بود.

یکی از برجسته‌ترین نقش‌های یزدان‌بخش در فیلم «بوسیدن روی ماه» به کارگردانی همایون اسعدیان بود؛ نقشی که از همان ابتدا توجه منتقدان را به خود جلب کرد. این فیلم به تصویری لطیف و انسانی از مادرانی که سال‌ها چشم‌انتظار بازگشت پیکر فرزندان مفقودالثر خود هستند می‌پردازد و یزدان‌بخش در نقش «احترام سادات» توانست عمق این انتظار، عاطفه و درد مشترک را به‌گونه‌ای باورپذیر بازتاب دهد و با اینکه خود در زندگی واقعی مادر نشده بود، یادگاری از همه مادران محترم شهدا را بر پرده سینما به زیبایی به تصویر کشید. در گفت‌وگوی قدیمی‌ترش درباره این نقش، او گفته بود که تمرین رسمی نداشت و بیشتر از تماشاگر بودن و درک تجربه‌های انسانی برای رسیدن به نقش کمک گرفته است. همچنین اشاره کرده بود که درک بازیگران همکار، حمایت کارگردان و تجربه تئاتری که سال‌ها تماشا کرده، به او کمک کرده تا این نقش را باورپذیر کند. همبازی‌هایش نیز درباره حضور او گفته‌اند که حضور یزدان‌بخش به روایت فیلم عمق و اصالت بخشیده است؛ نقش‌هایی که با ظرافت و بدون افراط، مخاطب را در جریان زندگی واقعی شخصیت‌ها قرار می‌دهند.

یزدان‌بخش در طول حدود یک دهه فعالیت سینمایی در کنار نقش در «بوسیدن روی ماه»، در اولین و به

یادماندنی‌ترین فیلم سعید روستایی، «ابدویک روز» نیز بازی کرد و نامزد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن شد؛ اتفاقی که نشان از تبحر و پختگی یزدان‌بخش در ایفای نقش‌های خاص داشت. او در این فیلم مادر خانواده‌ای پر از مشکل و درد بود و وضعیت جسمی خاص شخصیت مادر را به‌خوبی برای مخاطب قابل درک کرد؛ اتفاقی که در درک مناسب از رخدادهای فیلم اثرگذار بود. او همچنین در فیلم‌های مهم دیگری چون اثر اسکار گرفته اصغر فرهادی یعنی «جدایی نادر از سیمین» و در «برف روی کاج‌ها» ساخته پیمان معادی، «ملبورن» نیما جاویدی، «عنکبوت» ابراهیم ایرج‌زاد و «غلامرضا تختی» ساخته بهرام توکلی نیز حضور داشت؛ آثاری که هر یک با سبک و فضای اجتماعی متفاوت، نشان دادند چگونه یک بازیگر با حضور اندک اما به‌جا می‌تواند روایت را تقویت کند و مخاطب را با نوعی از همدلی و درک انسانی روبه‌رو سازد.



یکی دیگر از فیلم‌های مهمی که یزدان‌بخش یک تنه محور اصلی روایت و ارتباط مخاطب با آن بود، «آشغال‌های دوست‌داشتنی» اثر ویژه محسن امیریوسفی بود. بازی مادری تنها که با قاب عکس فرزندان و همسرش گفت‌وگو می‌کند و آنها را جلوی خود تداعی شده می‌بیند، بازی سختی بود که یزدان‌بخش بسیار روان و جذاب از پس اجرای آن برآمد. حیف که فیلم در زمانه خود چندان دیده نشد و حواشی آن باعث شد تا تقدیر مناسبی از بازی یزدان‌بخش به عمل نیاید.

اگرچه یزدان‌بخش بازیگر تئاتر حرفه‌ای نبود، اما تماشاگر بسیار جدی و حرفه‌ای تئاتر بود و همین تأکید بر تجربه زنده نمایش، در نگاه حرفه‌ای و اجرایی او اثر گذاشت. او بارها گفته بود که تماشای تئاتر به او کمک کرد تا به جای تقلید رفتار، شخصیت را با درک زیبایی‌شناسانه بسازد؛ نوعی بازی که کمتر از تکنیک، با درون‌مایگی احساس و تجربه انسانی سروکار دارد.

یزدان‌بخش وقتی مقابل دوربین ظاهر می‌شد، ظواهر سینمایی کنار می‌رفتند و چیزی که باقی می‌ماند، انسان بود؛ انسانی با تجربه، زخم‌ها، امیدها و پرسش‌های زندگی. این اتفاق باعث شد بازی‌های او نه فقط دیده شوند بلکه حس شوند؛ همان حسی که مخاطبان در واکنش‌های خود به اجراهایش نشان دادند و بارها از عمق عاطفی نقش‌هایش صحبت کردند.

او با وجود شروع دیرهنگام، به‌گونه‌ای بازی کرد که هر نقش کوچک می‌توانست بزرگ شود؛ بزرگ از آن جهت که به زندگی واقعی انسان‌ها نزدیک بود. درگذشت شیرین یزدان‌بخش با اینکه غم‌انگیز است، اما یادآور این حقیقت است که مسیر حرفه‌ای در هنر همیشه خطی و کلاسیک نیست. گاهی تجربه زیسته،

تماشای دقیق و درک احساس انسانی، می‌تواند بهترین مدرسه بازیگری باشد. یادش گرامی.

جواد صفوی